



دکتر لطف‌الله خواجه‌پور

عضو هیأت علمی دانشکده علوم، گروه زیست‌شناسی

اینجانب لطف‌الله خواجه‌پور در اول مهر سال ۱۳۳۴ در شهرستان بهبهان دیده به جهان هستی گشودم. بنده دومین فرزند خانواده هستم. در خانواده، ما ۴ خواهر و ۵ برادر بودیم که یکی از برادران در سال ۵۴ و در سن ۱۴ سالگی دیده از جهان بست.

محل کار پدرم یکی از روستاهای شهرستان دهدشت از استان کهگیلویه و مغازه‌دار بود، آن دوران داد و ستد بیشتر به صورت پایاپای بود. در تابستان به همراه ساکنان منطقه عشایری به بیلاق می‌رفتند و خرید و فروش کالا در نواحی سردسیر ادامه پیدا می‌کرد. این منطقه یا سرحد منطقه کوهستانی سرسبز و خوش آب و هوایی بود که بنده در سالهای دوره دبیرستان، چند تابستان در این سفرها همراه پدرم بودم.

کلاس اول تا ششم محصل دبستان حجت بودم، این دبستان بعداً به نام شهید گرامی چندسالی مدرسه راهنمایی بود و در سالهای اخیر دبیرستان شده است. دوره اول دبیرستان را در دبیرستان ۲۵ شهریور و دوره دوم را در دبیرستان پهلوی گذراندم. تا سال ۱۱ رشته ریاضی بودم و در سال ۱۲، به دلیل نبودن رشته ریاضی در بهبهان، به علوم طبیعی تغییر رشته دادم.

باید به این نکته اشاره کنم که در بهبهان، خانواده‌ها به تحصیلات فرزندان اهمیت می‌دادند زیرا امکان اشتغال در آینده بیشتر بود. از طرف دیگر، آموزگاران و دبیران در بهبهان از احساس مسئولیت بالایی برخوردار بودند و تلاش وافر در امر تعلیم و تربیت دانش آموزان داشتند، ضمن اینکه مسولان وقت آموزش و پرورش شهرستان هم مدیریت لازم را انجام می‌دادند. لازم است یادآوری کنم، که در آن سالها دبیرهای خوبی از مناطق مختلف کشور در دبیرستانهای بهبهان مشغول به کار بودند. بعضی از این دبیران بعدا ادامه تحصیل داده و جذب دانشگاه شدند، از جمله آقای سیدنا که دبیر زیست‌شناسی بنده بود و ایشان به عنوان الگو موجب علاقه بنده به رشته زیست‌شناسی گردید. وی بعدا ادامه تحصیل داد و استاد دانشگاه شهید بهشتی شد.

درباره فضای فرهنگی و مذهبی بهبهان یادآوری کنم که بهبهان از قدیم یک شهر مذهبی بوده است، در آن دوران چند روحانی ساده زیست و مردمی بودند که به‌طور عمده در مساجد فعالیت داشتند و نیازهای مردم در خصوص احکام شرعی را برآورده می‌کردند آنها رابطه خویش را با مردم حفظ کرده بودند. لذا مساجد و کتابخانه‌های مساجد فعال بودند و جوانان هم جذب مساجد می‌شدند، البته فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و ورزشی هم در مدارس فراوان بود. به‌طور کلی دینداری یک پدیده فردی و بطور عمده پاکیزه از ریاکاری، نیرنگ و دروغ بود. برای نمونه، در بهبهان آن دوران، بانوان بدون هیچ اجباری و بر اساس اعتقاد شخصی چادر می‌پوشیدند. با اینکه رفتن به مسجد از روی علاقه و میل افراد بود، نه از ترس گزینش و اشتغال و بدست آوردن امتیاز خاصی در دوران نوجوانی و جوانی بنده، شغل بیشتر مردم بطور عمده تجارت و تا حدودی کشاورزی، دامداری بود. باید اذعان کرد که داد و ستد و خرید و فروش مردم بیشتر شهرهای مردم استان کهگلویه و بویراحمد در بهبهان انجام می‌شد و تولیدات دامی بهبهان مانند ماست، روغن حیوانی، کشک و... در شهرهای اطراف بویژه آبادان و اهواز بازار خوبی داشت.

### شروع تحصیلات عالی در دانشگاه

در خرداد ۱۳۵۳ دیپلم گرفتم و همین سال در کنکور شرکت کردم. در آن سال کنکور یک مرحله‌ای بود و فقط در شهرهای دانشگاهی یعنی مراکز چند استان بزرگ کشور برگزار می‌شد، بنده هم برای شرکت در امتحان به شیراز رفتم. مردادماه همان سال نتایج اعلام گردید و من در اولین رشته انتخابی یعنی زیست‌شناسی در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز پذیرفته شدم.

در اواخر شهریور، برای شروع تحصیل، ۵۰۰ ریال از پدر گرفتم و راهی اهواز شدم. بعد از ثبت نام اولیه در سازمان مرکزی و آموزش کل که در محل امور دانشجویی فعلی بود، به گروه زیست‌شناسی مراجعه و انتخاب واحد نمودم. لازم به ذکر است که گروه زیست‌شناسی که قبلاً در ساختمان سه گوش بود، یکی دوسالی بود که به مکان کنونی خود، در سایت دانشگاه منتقل شده بود. از مهر کلاس‌ها شروع شد و به تدریج با اساتید گروه و نخصص آنان آشنا شدیم.

از استادان قدیمی می‌توانم یاد کنم از مرحوم دکتر نصرت صحت‌نیاکی که استاد سخت‌گیر و منظمی بود به‌خصوص درس سیستماتیک که بسیار سخت بود و با دشواری، دانشجویان در آن قبول می‌شدند. دکتر فخرایی استاد ژنتیک و همسر ایشان خانم هوشمند، مرحوم دکتر شجاعی مقدم که فیزیولوژی را تدریس می‌کرد. بعد من، همکار ایشان شدم و تا زمانی که بازنشسته نشده بود به رغم اصرار ایشان و به احترام وی، از تدریس دروس ایشان خودداری می‌کردم. اساتید دیگر گروه زیست‌شناسی دکتر عطاءالله قبادیان (البته ایشان استاد گروه نبودند ولی به نظرم در بعضی از ترم‌ها، درس زمین‌شناسی را برای دانشجویان زیست‌شناسی تدریس می‌کرد)، مهندس آذری، دکتر آل محمد، دکتر اوحدی که بافت‌شناسی درس می‌داد، دکتر مروج همدانی که بعداً به دانشکده علوم دریایی رفتند، دکتر رستمی درس منابع طبیعی را تدریس می‌کرد.

من پیش از ورود به دانشگاه در حد یک دانش آموز از اوضاع سیاسی کشور اطلاعات محدودی داشتم. در دانشگاه نیز با جنبش و حرکت اسلامی دانشجویی آشنا شدم و در حد یک فعالیت احساسی و محدود در فعالیت‌های عمومی دانشجویان شرکت می‌کردم.

در اوایل انقلاب، یعنی سوم اسفند ۱۳۵۷، پدرم در سن ۴۸ سالگی بر اثر بیماری قلبی و سکته درگذشت و با توجه به اینکه برادر بزرگتر من، دبیر هنرستان در شهرستان دهدشت بود، من متکفل اداره و سرپرستی خانواده شدم. این مسئولیت در کنار اوضاع ناپایدار دانشگاه و فعالیت‌های فرهنگی دست به دست هم داد و ترم آخر را به سختی گذراندم.

با توجه به فعالیت‌های سیاسی و اعتصابات و جنبش دانشجویی، در امتحانات پایانی دو ترم (ترم دوم ۵۴ و ترم دوم ۵۶ که همزمان با شهادت دکتر شریعتی بود) شرکت نکردیم و همچنین تعطیلی ترم اول ۵۷ که در اوج مبارزات انقلاب بود، دوره تحصیل من طولانی شد و ۵ سال طول کشید. پس از پیروزی انقلاب و بازگشایی دانشگاه در ترم دوم ۵۷ باقیمانده واحدها را انتخاب و اولین ترم بعد از انقلاب با شور و هیجان خاصی شروع شد.

البته در پایان ترم، خرداد ۵۸، باید تمام واحدهای درسی را که در دو ترم امتحان نداده بودیم به اضافه دروس همان ترم را که روی هم تقریباً حدود ۴۵ واحد درسی می شد، باید به اجبار در همان خرداد ۵۸ یک جا می گذرانیدیم تا فارغ التحصیل شویم به همین دلیل و وجود مشکلات ذکر شده، نمرات امتحانات مورد انتظارم نبود.

تیرماه سال ۱۳۵۸ دوره کارشناسی بالاخره به پایان رسید و بنا به تصویب دولت موقت مهندس بازرگان، به جای دوره نظام وظیفه، تعهد خدمت به آموزش و پرورش دادم و به استخدام درآمدم و چون می بایستی در کنار خانواده می بودم، استان خوزستان و شهر بهبهان را برای محل خدمت انتخاب کردم و در همان دبیرستان های محل تحصیل خودم، دبیر و همکار دبیران سابق خودم شدم و به تدریس مشغول گردیدم. در سراسر سالها در بهبهان، سعی می کردم که نهایت احترام را نسبت به دبیران سابق خودم داشته باشم. حدود ۱۳ سال در آموزش و پرورش خدمت کردم و دروس مختلف علوم زیستی و بهداشت را در مقاطع مختلف و در دبیرستانها و هنرستانهای بهبهان تدریس نمودم. یکی از کارهای من در کنار تدریس انجام دادم، راه اندازی آزمایشگاه زیست شناسی مرکزی با کمک دوست و همکارم آقای مزارعی از دبیران زیست شناسی بود. برای این کار. لوازم و تجهیزات آزمایشگاهی موجود در دبیرستانها را به آن آزمایشگاه، در دبیرستان دخترانه هاجر، انتقال دادیم. شرکت دانش آموزان طبق برنامه های منظم انجام می شد و البته چون انجام آزمایشها، دانش آموز محور بود، مورد استقبال زیاد دانش آموزان قرار می گرفت.

در بهبهان، افزون بر تدریس، برای یک سال معاون مرکز تربیت معلم بهبهان به ریاست آقای رحیمی نژاد بودم. مدتی هم معاون هنرستان صنعتی بهبهان به سرپرستی آقای حمید سلیمانی بودم، که تجربه های اجرایی مفیدی بود.

### فعالیت فرهنگی-مذهبی

من از قبل از انقلاب در مسجد محل فعالیت می کردم با پیروزی انقلاب سپس شروع جنگ تحمیلی، در همان مسجد، در بسیج مردمی شرکت فعال داشتم. همچنین در تشکیل بسیج شهرستان که در مکان تربیت معلم بهبهان، مستقر شده بود، شرکت فعال داشتم. اولین باری که به جبهه رفتم به همراه دیگر نیروهای بسیجی بهبهان، در آذرماه ۱۳۵۹ به شهر شوش اعزام شدیم، در آن زمان شهید بقایی فرماندهی سپاه و جبهه شوش را عهده دار بود. اولین کار مادر سپاه شوش، بنا به نیاز و دستور شهید بقایی، ساخت زاغه مهمات، برای نگه داری و تجهیزات و ادوات جنگی بود. این دوره از حضورم در جبهه دو ماه طول کشید.

مرحله دوم عملیات بیت المقدس، دهم اردیبهشت سال ۶۱، مجدداً به جبهه رفتم و در عملیات شرکت کردم. در آن عملیات عده زیادی از هم‌زمان از حمله هم‌سنگرم، شهید ایقان، به شهادت رسیدند. صبح بعد از عملیات برای پیوستن به گردان، به علت آتش سنگین دشمن، مسیر را گم کردم. به هر شکل با زحمت فراوان غروب همان روز به محل استقرار گردان در دارخوین رسیدم، البته صبح بعد از عملیات، باتوجه به از دست دادن تعداد زیادی از نیروها، گردان برای بازسازی مجدد برگشته بود و اسامی شهدا را هم روی چادرها نوشته بودند و خبرها به بهبهان و خانواده هم رسیده بود. نهایتاً دو روز بعد گردان به بهبهان برگشت. مادرم بسیار نگران بود و چقدر نذر و نیاز کرده بود برای سلامتی‌ام.

خاطره جالب دیگری دارم از صبح عملیات که با روشن شدن هوا صدها عراقی که شب عملیات مخفی شده بودند از مخفیگاه خود خارج و به اسارت درآمدند.

یکبار دیگر در دی ماه سال ۶۵، تحت عنوان راهیان کربلا، به جبهه رفتم و در زمینه آموزش دانش آموزان رزمنده همکاری کردم. آن دوره، شهید شمائلی معاون تیپ امام حسن بودند و با مشورت با ایشان و پس از بررسی‌های لازم، برنامه‌ریزی به گونه‌ای شد تا آموزش عزیزان رزمنده، روند بهتری پیدا کند.

## ازدواج

در بهمن سال ۱۳۶۱ با همسرم خانم صدیقه انصاری که معلم تربیتی بود، ازدواج کردم. حاصل این ازدواج یک فرزند دختر است که اکنون کارشناس ارشد و مشاور علوم تغذیه است و دو فرزند پسر که یکی دارای مدرک کارشناسی ارشد مکانیک است و در وزارت نفت مشغول به کار است و دیگری، دوره پزشکی عمومی خود را به پایان رسانده است.

## تحصیل در دوره کارشناسی ارشد(دانشگاه تربیت مدرس)

در بهمن ماه سال ۱۳۶۵ در دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شدم و برای ادامه تحصیل در کارشناسی ارشد رشته فیزیولوژی انسانی به صورت ماموریت به تحصیل به تهران منقل شدم. در ضمن تحصیل، هفته‌ای یک روز در مراکز تربیت معلم تهران تدریس می‌کردم، البته به مدت یک ترم هم در دایره متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان تهران خدمت می‌کردم. در این برهه، من هم تدریس می‌کردم و هم واحدهای تربیتی، عمومی و واحدهای تخصصی پیش‌نیاز را گذراندم و در مجموع حدود ۸۰ واحد درسی را گذراندم. در طول تحصیل همیشه دغدغه

اشتغال دانش‌آموختگانی که از آموزش و پرورش بودند، وجود داشت. با پیگیریهای بسیار، نهایتاً باهماهنگی میان دو وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، توافق گردید که دبیران دانش‌آموخته از دانشگاه تربیت مدرس که تخصص آنها مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش نیست، و مورد نیاز دانشگاه‌ها هستند، بتوانند به دانشگاه‌ها منتقل شوند و در مقابل سهمیه‌ای در دانشگاه‌ها، برای رشته‌های مورد نیاز آموزش و پرورش، به این وزارتخانه تعلق گیرد. بنده در اسفندماه سال ۱۳۶۹ دانش‌آموخته شدم و به بهبهان برگشتم.

### انتقال به دانشگاه شهید چمران اهواز

بعد از فراغت از تحصیل مجدداً به تدریس در مرکز تربیت معلم و دبیرستانهای بهبهان مشغول شدم. البته قبل از انتقال به دانشگاه، یک ترم را به صورت حق التدریس در گروه زیست‌شناسی تدریس می‌کردم. در سال ۱۳۷۰ در آزمون مدارس ایرانیان خارج از کشور نیز شرکت کردم و نفر اول رشته زیست‌شناسی شدم و در شهریورماه سال ۱۳۷۱ به همین منظور، در اردوی توجیهی، که درمنظریه تهران برگزار گردید، شرکت کردم. در روز اول اردو و پیش از شروع جلسات، به وزارت آموزش و پرورش مراجعه نموده و پیگیر موضوع انتقال شدم. آنجا بود که متوجه شدم یک لیست ۱۸ نفره برای انتقال به وزارت علوم آماده ارسال به ادارات کل آموزش و پرورش استانها، و دانشگاههای مربوطه، است و نام من هم در این لیست برای انتقال به دانشگاه شهید چمران اهواز بود. از این رو، من از اعزام به خارج انصراف داده به بهبهان برگشتم و تا انتقال به دانشگاه منتظر ماندم. نهایتاً اقدامات انتقال فراهم شد و در پایان دی ماه سال ۷۱ به دانشگاه شهید چمران منتقل شدم.

### شروع به کار در گروه زیست‌شناسی

از اول بهمن ماه ۱۳۷۱ به دانشگاه به عنوان کارشناس منتقل شدم و چند ماه بعد مکاتبات و مجوزها برای تبدیل وضعیت انجام گرفت و به مرتبه مربی تبدیل وضعیت پیدا کردم و به شروع به تدریس در گروه زیست‌شناسی پرداختم.

### ماموریت به دانشکده علوم دریایی

در آذرماه ۷۳ با حکم ریاست وقت دانشگاه، آقای دکتر ضرغام، به معاونت اداری و مالی دانشکده علوم دریایی منصوب شدم. لازم به ذکر است که دانشکده علوم دریایی قبل از انقلاب و در سال ۵۵ با تلاش های جناب زنده یاد آقای پروفیسور قبادیان، در خرمشهر شروع به کار کرده بود. در دوران جنگ، ساختمان آن ویران و دانشکده

منحل شده بود. از سال ۷۰-۷۱ با تلاش اعضای هیأت علمی سابق دانشکده از جمله آقایان دکتر سواری، دکتر نبوی، دکتر رونق و مرحوم دکتر تجلی که در گروه زیست‌شناسی مشغول به کار بودند، دانشکده مجدداً راه‌اندازی و به سرپرستی آقای دکتر نبوی شروع به کار می‌کند. پذیرش دانشجو نیز از سال ۷۳ در رشته فیزیک و بیولوژی دریا در مقطع ارشد شروع گردید. در سال ۱۳۷۳ که آقای دکتر علیزاده سرپرست دانشکده بود و در شرایطی که بخشی از دانشکده، در دانشکده مهندسی و بخش دیگر آن، در طبقه بالای مدرسه راهنمایی پسران واقع در جنب کوی استادان، مستقر بود، من به عنوان معاون دانشکده با ایشان همکاری می‌نمودم. آقای دکتر سیاری که در آن زمان معاون مالی و اداری دانشگاه بود، تاکید زیادی داشتند که دانشکده به خرمشهر منتقل شود. چندی بعد دکتر علیزاده با حفظ سمت، معاون آموزشی دانشگاه شد و عملاً وظیفه عملیات این انتقال بر عهده من قرار گرفت. محل کنونی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، تازه‌ساز بود و در ابتدا فاقد آب و برق بود و سایر امکانات رفاهی بود و با زحمت فراوان توانستیم این مکان را برای استقرار دانشکده دانشجویان آماده کنیم. در سال ۱۳۷۷ دانشکده، با دو رشته شیلات و بیولوژی دریا در مقطع کارشناسی و دورشته کارشناسی ارشد، عملاً به خرمشهر منتقل شد. با اجاره دو ساختمان مجزا و تجهیز آنها خوابگاه‌های دانشجویی راه‌اندازی گردید. همچنین امکانات لازم برای راه‌اندازی سلف سرویس دانشکده فراهم گردید. بنده بعد از استقرار دانشکده در خرمشهر، در اسفند سال ۷۷ استعفا داده و به گروه آموزشی زیست‌شناسی برگشتم.

### تحصیلات در دوره دکتری

دوره دکتری خود را از مهرماه سال ۸۳ با ورود به پردیس علوم دانشگاه تهران و در رشته فیزیولوژی جانوری شروع کردم. در ضمن تحصیل، در هر ترم، سه واحد در گروه زیست‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز تدریس می‌کردم. در دی ماه سال ۸۷ تحصیلات خود را با چاپ دو مقاله مستخرج از رساله در مجلات معتبر به پایان رساندم. با اتمام تحصیلات و اخذ درجه دکتری تخصصی به دانشگاه برگشته و با مرتبه استیاری به خدمت خود در دانشگاه ادامه دادم. بعد از گذشت ۵ سال درآبان ۱۳۹۲، بدون بر عهده داشتن مسئولیت و اختصاص تمام وقت به امور آموزشی و پژوهشی، به مرتبه دانشیاری رسیدم.

### ریاست دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر

در شهریورماه سال ۱۳۹۴ به مکه مکرمه و مدینه منوره، برای برگزاری حج تمتع، مشرف شدم. یادآوری کنم که در همان سال بود که حوادث منا و سقوط جرتقیل در خانه کعبه پیش آمد و شمار زیادی از زائران از جمله

گروهی از هموطنان به شهادت رسیدند. دیماه ۹۴ به عنوان مدیر گروه زیست شناسی انتخاب شدم. بعد از دو ماه با توجه اینکه قبلا در دانشکده علوم و فنون دریایی مسئولیت داشته و در انتقال آن دانشکده به خرمشهر مشارکت فعال داشتم، در ۱۲ اسفند ۹۴، طی حکمی از سوی آقای دکتر فرهادی، وزیر آموزش عالی، به ریاست دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر منصوب شدم. قبل از من، آقای دکتر صدری نسب ریاست آنجا را برعهده داشت. در دوره تصدی مسئولیت در این دانشگاه، تمرکز من بر تکمیل طرح های نیمه تمام دانشگاه بود که بعضی از آنها برای چندین سال به حالت نیمه کاره رها شده بود. از جمله اتمام کار ساختمانی دانشکده منابع طبیعی که به طور کامل آماده و مورد بهره برداری قرارگرفت. یکی دیگر از پروژه ها خوابگاه پسران و محوطه سازی آن بود، که کار آن به اتمام رسید و کاملا تجهیز و آماده بهره برداری شد. قرارداد آزمایشگاه مرکزی منعقد و کارهای اتمام آن شروع گردید، همچنین بودجه و طرح و نقشه محوطه سازی آن آماده شد. علاوه براین، یک زمین فوتبال ۷ نفره با چمن مصنوعی در مجاورت سالن ورزشی احداث و مورد بهره برداری قرارگرفت. سیستم لوله کشی گاز شهری در تمام دانشگاه یکی دیگر از کارهای انجام شده است. در این دوره با برنامه ریزی و تلاشهای اعضای هیئت علمی، درامور پژوهشی هم، دانشگاه ارتقا پیدا کرد. در بعد آموزشی تلاش و برنامه های من و همکارانم بیشتر معطوف به ارتقاء کیفیت آموزشی بویژه در دوره های تحصیلات تکمیلی بود. در بخش فرهنگی نیز فعالیتهای زیادی انجام گرفت. البته ناگفته نماند که تمام کارهای انجام شده، نتیجه تلاش کلیه همکاران اعم از هیئت علمی و غیر هیئت علمی و در ادامه تلاشهای روسای پیشین دانشگاه بود. مهمترین دغدغه بنده این بود که این دانشگاه به عنوان یک دانشگاه تخصصی در زمینه علوم دریایی و اقیانوسی بماند. در این راستا پیگیری و ایجاد رشته های تخصصی در حوزه علوم و فنون دریایی از دیگر سیاست هایی بود که در حوزه آموزشی دنبال می شد.

### مشکلات و موانع کار مدیریت در دانشگاه

از جمله مشکلات و موانع کار مدیریتی در این برهه، دخالت های بیرون از دانشگاه در کار دانشگاه حتی در امور تخصصی مانند داوری پایان نامه ها بود که وقت زیادی را از مدیریت دانشگاه می گرفت.

یکی دیگر از مشکلات در دانشگاه ها، وجود دوگانگی قشر اعضای هیات علمی و قشر کارکنانی است که امکان پیشرفت شغلی ندارند و دریافتی آنان با قشر هیات علمی فاصله زیادی دارد و همین امر، موجب کدورت و اصطحاک و اختلافات درون سازمانی می شود.



## مهمترین تجربه آموزشی و آموزگاری

مهمترین تجارب معلمی من در ۴۳ سال سابقه را می توانم در ضرورت اخلاق‌مداری، عاشق کار بودن و هنر معلمی داشتن خلاصه کنم. از سوی دیگر، شغل معلمی فقط داشتن معلومات و دانش کافی وابسته نیست بلکه معلم باید بتواند با مشارکت دادن دانش آموزان در فرآیند آموزش، آنان را به فراگیری مفاهیم و ایجاد ارتباط میان مفاهیم، توانا کند. استفاده از ابزار کمک آموزشی نیز می تواند علاقه دانش آموزان را در فراگیری جلب کند. نکته مهم دیگر، رعایت حد وسط و رعایت استعداد متوسط در تدریس است.

## اهمیت و نقش دانش زیستی

امروزه دانش آموختگان علوم زیستی، در گرایش‌های مختلف، در زمینه‌های گوناگون فعالیت دارند. یکی از آنها محیط زیست است، نگهداری و احیای محیط زیست نقش مهمی در زندگی بشری دارد. بعضی رشته‌های علوم زیستی می‌تواند در ایجاد تعامل مثبت میان انسان و طبیعت مفید باشد. زمینه دیگر فعالیت دانش آموختگان، در حوزه سلامت و بهداشت است. البته رعایت نکات بهداشتی، آموزش مسایل مربوط به تندرستی همه در گرو توجه به علوم زیستی است. جنبه دیگر فعالیت، حوزه فرآوری و تولید مواد غذایی سالم است. دانش آموختگان علوم زیستی امروزه در شرکت‌های دانش بنیان، ادارات و سازمان‌های مرتبط بامحیط زیست، صنایع غذایی و دارویی و بهداشتی، مشغول به کار هستند.

## ایستگاه آخر مدیریت: گروه آموزشی زیست‌شناسی

از ابتدای مردادماه سال ۹۹ تا کنون به مدت دو سالی است که مدیر گروه زیست‌شناسی هستم و به زودی به درجه بازنشستگی نایل خواهم شد.

گروه زیست‌شناسی دانشگاه درحال حاضر دارای ۲۳ عضو هیأت علمی از بزرگترین گروه‌های آموزشی دانشگاه است. بیش از ۵۰۰ نفر دانشجوی این گروه، درسه مقطع کارشناسی با سه گرایش و کارشناسی ارشد با ۹ گرایش و دکتری با چهار گرایش مشغول به تحصیل هستند.